



«معاد»

عالم برزخ

را پیش گرفته باشند، در عذاب الهی گرفتار خواهند گشت.^۱

حکیم متألّه عبدالرزاق لاهیجی نیز در کتاب «گوهر مراد» یکی از مباحثی را که در ضمن بحث «معاد» مطرح کرده است بحث «عالم برزخ» است وی می گوید: در روایات بسیاری باین مطلب تأکید شده است که ارواح مؤمنین پس از مرگ در نعمت خداوندی متنعم و ارواح کفار در عذاب الهی معذب خواهند گشت و این وضع تا روزی که قیامت برپا گردد ادامه خواهد داشت سپس روایاتی را در این زمینه ذکر کرده است.^۲

ما برای اینکه شناخت بهتر و کاملتری از «عالم برزخ» داشته باشیم در این مقاله نیز تعدادی از احادیث اهل بیت عصمت علیهم السلام که هر یک از آنها چراغی از بصیرت و معرفت را قراره ما قرار می دهند را ذکر می کنیم تا در پایان بحث نتیجه کاملتری را بدست بیاوریم:

تجسم عمل

۱- حضرت امیر مؤمنان فرمودند: مال و فرزندان و عمل هر انسانی در آخرین روز زندگی دنیا، و نخستین روز زندگی آخرت او در برابر وی مجسم می گردند و او نخست به مال خود توجه می کند و بآن می گوید: من برای بدست آوردن تو حرص فوق العاده ای به خرج می دادم اکنون چه کاری از تو برای من ساخته است؟ آن، می گوید: «کفن خود را از من بگیر». سپس روی به فرزندان خود می آورد و

رشته حیات انسان هرگز و در هیچ حال گسته نخواهد شد و او همانطور که حیات خود را روزی در رحم مادر و روزی در این دنیا گذرانده است، روزی هم در «عالم برزخ» خواهد گذراند و بالاخره پس از حضور در صحنه قیامت و رسیدگی به حساب به مرحله نهائی زندگی خود که یا ظلمت و عذاب و یا نور و جوار رحمت حق است نائل خواهد شد.

ما در مقاله گذشته موضوع «عالم برزخ»- عالمی که فاصله میان مرگ و برپا شدن قیامت است- را مورد بحث قرار دادیم و گفتیم که کیفیت زندگی انسان در عالم برزخ از لحاظ رفاه و تنعم یا سختی و عذاب با اعمالی که او در زندگی دنیا انجام داده است ارتباط دارد، و باید دانست که:

«عالم برزخ» با توضیحی که درباره آن داده شد و توضیح بیشتر نیز بتوفیق خداوند متعال بعمل خواهد آمد، یکی از معارف اعتقادی مسلم اسلام است:

علامه مجلسی رضوان الله علیه در رساله ای که در زمینه اعتقادات اسلامی نگاشته است می گوید:

باید به سؤال قبر، ایمان و اذعان داشته باشیم و نیز معتقد باشیم که پس از بعمل آمدن «سؤال قبر» انسانها «بعالم برزخ» منتقل می گردند و در صورتی که از لحاظ اعمال و اعتقاد دارای شایستگی باشند در نعمت های پروردگار بسر می برند و با کسانی که بزیارت قبور آنها می آیند انس می گیرند و شادمان می گردند و اگر از جهت اعمال و اعتقاد راه عصیان و انحراف





بآنان می گوید: «من شما را دوست می داشتم و در راه حمایت از شما می کوشیدم امروز چه کاری برای من انجام خواهید داد؟»

آنان در پاسخ می گویند: «ما تو را به خانه قبر می رسانیم و در خاک پنهان می کنیم!!»

از آن پس به عمل خود توجه می کند و می گوید: «قسم بخدا من به توجندان اهمیت نمی دادم و تو بر من سنگین بودی، امروز از توجه کاری برای من ساخته است؟» آن می گوید: «من در خانه قبر و در همه احوال همراه تو هستم و تا روزیکه مرا و ترا در پیشگاه خداوند عرضه کنند با تو هستم.»

سپس حضرت اضافه کردند: اگر آن شخص دوست خدا باشد یکی که دارای پاکیزه ترین بویها و نیکوترین چهره ها و خوبترین لباسها است در آن لحظه (لحظه ای که انسان در آستانه مرگ است) به نزد او می آید و می گوید: بشارت باد ترا به راحتی و بهشت پر نعمت و مقدم تو خیر مقدم است.»

این شخص می گوید: «تو کیستی که اینچنین زیبا و آرامش بخش می باشی؟» می گوید: «من عملی خوب توهستم.» از آن پس آن شخص کسانی را که او را غسل می دهند می شناسد و از کسانی که جنازه او را حمل می کنند تقاضا می کند که تعجیل نمایند و او را زودتر بمقصد برسانند.

و هنگامی که او را به خانه قبر وارد می کنند دو فرشته از جانب خداوند فرا

می رسند و از او درباره توحید و خداشناسی و دین و آئین و نبوت و سایر معارف دینی سؤال می کنند و جواب صحیح و کامل دریافت می دارند، سپس با او می گویند «خداوند ترا در آن راهی که دوست می دارد و مورد رضایت او است ثابت قدم و استوار بدارد» از آن پس قبر او را وسعت می دهند و ذری از بهشت به روی او می گشایند و می گویند: چشم تورو روشن باد اکنون، با دل آرام در جوار نعمت های خداوندی قرار بگیری که خداوند فرموده است: «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَتَوَقَّعُونَ خَيْرًا فَمُنْقَرًا وَأَخْسَنُ مَقِيلًا»؟

یعنی «اهل بهشت در آنروز مسکن و مقرری بهتر و آرامش نیکوتری خواهند داشت.» و اگر آن شخص دشمن خدا باشد یکی که دارای زشت ترین چهره ها و بدترین بوی ها است به نزد او می آید و می گوید: «بشارت باد ترا به عذاب و سختی های دردناک، و او کسانی را که او را پس از مرگ بششش می دهند و کسانی را که جنازه او را بر می دارند و حمل می کنند می شناسد و از آنها تقاضا می کند که جنازه او را با تندی حمل کنند و هنگامی که او را به خانه قبر می گذارند دو فرشته از جانب خداوند فرا می رسند و درباره خدا و دین و پیامبر از او سؤال می کنند و او نمی تواند جواب صحیح بدهد و سپس عذاب سختی او را دربر می گیرد و ذری از آتش بروی او می گشایند و با او می گویند. «اکنون این تو و این عذابها و گرفتاریها و او همچنان در عذاب است و آرزو می کند قیامت زودتر بر پا شود!»

اجتماع ارواح مؤمنین

۲. شخصی بنام حَبَّه عُرَسی می گوید: روزی به همراه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از شهر کوفه خارج شدیم و چون به نقطه ای که وادی السلام نامیده می شد رسیدیم حضرت توقف کردند و مثل اینکه با گروهی صحبت می کنند ایستادند من هم ایستادم و چون خسته شدم نشستم و از نشستن نیز خسته شدم، مجدداً از جای خود برخاستم و ایستادم و باز خسته شدم نشستم و چون از نشستن مجدداً خود نیز خسته گردیدم ایستادم و عباى خود را که بر روی زمین پهن کرده بودم جمع کردم و گفتم یا امیرالمؤمنین: چقدر روی پا ایستادن شما طولانی شد. ساختی استراحت بفرمائید و عباى خود را روی زمین پهن کردم تا حضرتش روی آن بنشیند.

حضرت در پاسخ فرمودند: «ای حبه! من با مؤمنان صحبت می کنم و با آنان انس می گیرم» و من در حالی که چیزی را نمی دیدم با تعجب عرض کردم: یا امیرالمؤمنین آیا مطلب این چنین است با مردگان می توان صحبت کرد و انس گرفت؟

فرمودند: «بلی» اگر واقعیت برای تو مکشوف گردد و پرده برکنار برود خواهی دید که در اینجا افراد مؤمن دسته دسته جمع شده اند و با هم صحبت می کنند. گفتم: «آیا اجسام می باشند یا ارواح؟» فرمودند: ارواح مؤمنین می باشند. بعد از آن اضافه کردند که هیچیک از افراد مؤمن در هیچ نقطه ای از نقاط زمین از دنیا نمی رود مگر

اینکه به روح او فرمان می رسد که به ارواح مؤمنین که در وادی السلام می باشند پیوند و آنجا بقعه ای است از بهشت^۵.

ارواح مؤمنین در عالم برزخ

۳- ابوبصیر می گوید: «حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ارواح مؤمنین در سایه درختان بهشتی نشسته از غذاهای بهشتی می خورند و از آبهای آن می نوشند و می گویند پروردگارا قیامت را برپا بدار و وعده هائی را که بما داده ای عملی ساز.»^۶

مجاهدین راه خدا در عالم برزخ

۴- حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: حضرت حسین بن علی علیهما السلام فرمودند:

روزی حضرت امیر مؤمنان (ع) خطبه می خواندند و مردم را برای جهاد در راه خدا ترغیب می نمودند در این حال جوانی برخاست و عرض کرد یا امیرالمؤمنین فضیلت مجاهدین در راه خدا را بطور مشروح بیان بفرمائید حضرت امیرمؤمنان (ع) فرمودند: «روزی من پشت سر پیغمبر (ص) در حالی که او سوار ناقه غضبا^۷ بود سوار بودیم و از غزوة ذات السلاسل^۸ مراجعت می کردیم همان سؤالی را که هم اکنون تو از من کردی من از محضر حضرت رسول خدا (ص) نمودم حضرتش در پاسخ فرمودند:

مجاهدین راه خدا همتقدر که تصمیم در باره «جهاد فی سبیل الله» می گیرند خداوند بیزاری از آتش جهنم را برای آنان می نویسد.

و هنگامی که برای عزیمت به جهاد خود را مجهز می کنند خداوند بوجود آنها بر ملائکه مباحثات می کند.

و هنگامی که با خانواده خود وداع می کنند از گناهان خود پاک و پیراسته می گردند و ضمناً در طمی عزیمت و حرکت برای انجام جهاد هر عمل نیکی را که انجام می دهند به ۲ برابر ثواب نائل می شوند و برای هر روزی که در این ضمن می گذرانند ثواب عبادت هزار سال برای آنها نوشته می شود.

و هنگامی که در برابر دشمنان اسلام قرار می گیرند و نیزه ها بالا می رود و تیرها در جایگاه خود برای حرکت آماده می شود فرشتگان الهی آنها را احاطه می کنند و برای فشق و نصرت آنها دعا می نمایند و منادی بهشتی ندای می دهد که «بهشت زیر سایه شمشیرها است» و زخم شمشیر و نیزه برای «شهید» از نوشیدن آب سرد در هوای گرم تابستان گواراتر می شود.

و هنگامی که «شهید» در اثر زخمی که بر بدن او اصابت کرده است از مرکب خود پر روی زمین سرازیر می شود پیش از اینکه بدن او بر زمین برسد خداوند همسر او را که از «حورالعین» است بسوی او می فرستد تا او را به کرامت های الهی بشارت بدهد. و همینکه بدن او روی زمین قرار می گیرد زمین به او می گوید: «آفرین بر آن روح پاکسی که از بدن پاکیزه خارج گردیده است. پس بشارت باد ترا که اکنون برای تو نعمت هائی که تاکنون هیچ چشمی مانند آنرا ندیده و هیچ گوش نشنیده و بر خاطر

هیچ کس خطور نکرده است آماده شده است.

و خداوند آن روح را در قالب مخصوصی در بهشت قرار می دهد و او از نعمت های بهشتی بهره مند می گردد.

و هنگامی که روز قیامت فرا می رسد قسم به خداوند «شهدا» با چنان جلال و عظمتی محشور می گردند که پیغمبران خداوند در سر راه آنها برای اداء احترام، از مرکب های خود فرود می آیند و پیاده می شوند تا آنکه آنان در جایگاه مخصوص خود قرار می گیرند.

و آنان بقدری در پیشگاه حضرت حق مقام دارند که هر یک از آنها تا ۷۰ هزار نفر از اهل خانه خود و همچنین از همسایگان خود را شفاعت می کند و بالآخره آنان با من و حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در مقام مخصوصی قرار می گیرند و در هر صبح و شام به «وجه الله» نظر می افکنند^۹.

ادامه دارد

- ۱- رساله اعتقادات مجلسی ص ۸۰-۸۱.
- ۲- گوهر مراد ص ۱۷۱.
- ۳- سوره فرقان آیه ۲۶.
- ۴- فروع کافی ج ۳ ص ۲۳۱ و تفسیر المیزان ج ۱ ص ۳۶۷.
- ۵- فروع کافی ج ۱ ص ۲۴۳ و گوهر مراد ص ۱۷۱.
- ۶- فروع کافی ج ۱ ص ۲۴۴ و گوهر مراد ص ۱۷۵.
- ۷- آن شتر بواسطه نجابتی که داشت قطبا نامیده شده است.
- ۸- در این جنگ چون اسیران را به زنجیرها بستند «ذات السلاسل» نامیده شد.
- ۹- تفسیر مجمع البیان ج ۲ ص ۵۳۸.